

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن کریم

آیت الله علیدوست

جلسه دوم: شنبه ۱۴۰۲/۷/۱۲

معنای «دین» در کریمه «مالک یوم الدین»

سخن در این بود که آیا «دین» در این آیه به معنای جزا و محاسبه است یا به معنای آیین، شریعت و قانون؟! همانطور که در آیات بسیاری نیز باید همین معنا (=آیین و شریعت) را در نظر گرفت؛ مانند «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹)، «لَكُمْ دِينُكُمْ وَكَلِمَةَ دِينِ الْكُفْرَانِ» (کافرون / ۶)، «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا» (شوری / ۱۳). در نظر گرفتن واژه دین به معنای مجازات، مؤونه دارد برخلاف معنای شریعت و قانون که معنا کردن دین بدان، مؤونه‌ای ندارد. در صورت انتخاب معنای آیین و دین اسلام، توجه نام‌گذاری روز قیامت به یوم الدین، آن است که حاکمیت علی الاطلاق دین به معنای قانون و شریعت تنها در روز قیامت محقق می‌شود. دین در دنیا فی الجمله حاکم است اما بالجمله حاکم نیست.

گرچه بسیاری از کتب لغت به عنوان نماینده عرف، دین را «جزا و محاسبه» معنا کرده‌اند اما باید توجه داشت که در موارد بسیاری، معنای بیان شده در کتب لغت، متأثر از فرهنگ دینی است و نه برخاسته از استعمال و نگاه عرب خالص. لذا ممکن است در این واژه نیز معنای مناسب با آیات و روایات بیان شده باشد. مگر اینکه شاهی بر این معنا در غیر قرآن کریم (و روایات) بیابیم.^۱ در هر صورت، مراد از یوم

۱. گفته شده نابعه ذبیانی (=ابوالاقرب که اشعار او از معلقات کعبه معظمه در دوره جاهلی بود) دین را در شعری از اشعار خود به معنای مجازات به کار برده است. در صورت وجود چنین شعری بر معنای شریعت و قانون اصرار نمی‌کنیم و ممکن

الدین، روز قیامت است؛ چه به معنای روز مجازات و چه به معنای روز حاکم بودن شریعت و قانون.

نکات آیه کریمه

۱. چینش آیات در این سوره مبارکه؛ آغاز سوره با «بسم الله الرحمن الرحیم» و سخن از رحمت پروردگار است و پس از آن، کلام از تربیت؛ آنجا که می فرماید: «رب العالمین». چه «رب» را به معنای مربی در نظر گیریم و چه اینکه مراد از «رب» را سید و آقا بدانیم. لذا چنانکه پیش از این بیان شد پیام این سوره، پیامی تربیتی است. لذا بخش اول سوره از ذکر مبدأ آغاز شده و به ذکر معاد ختم می شود. در آیات ابتدایی سخن از مبدأ و پروردگار است و در این آیه شریفه معاد مورد بیان و اشاره است. توجه به مبدأ و معاد موجب سعادت‌مندی بشریت و تمام بخش‌های آن خواهد بود؛ همان‌طور که غفلت از آن سبب بدبختی و شقاوت است.

۲. توأم بودن رحمت و حساب بر اساس حکمت؛ خداوند متعال در این بخش از سوره، سخن را از بیان رحمت، آغاز می کند اما به رحمت ختم نمی کند. چرا که تربیت الهی در قرآن کریم بر اساس حکمت است و اقتضای حکمت، رحمت و عذاب، هر دو، است. بر خلاف ادیان و آیین‌های بدون حکمت و رها که حسابی در آن‌ها نیست. لذا توجه به این نکته، مواظبت بر اعتدال در همه امور فکری و عملی را می آموزد. لذا صحیح آن است که بدل از سخن رایج «دین و رحمت»، «دین و حکمت» مطرح گردد و اینکه اسلام را تنها دین رحمت و یا تنها دین قدرت معرفی کنیم، تعریفی نابجا از اسلام است. دین حنیف، به معنای مسامحه و رحمت و رأفت به همراه محاسبه و مجازات و حدود و... است. گرچه محاسبه الزاماً با عذاب همراه نیست و ممکن است در نهایت همراه با عفو باشد.

۳. سفارش به تلاوت بسیار این آیه شریفه در روایات؛ در تفسیر نورالثقلین نقل شده است که حضرت امام سجاد(ع) این آیه را تا آنجا تکرار می فرمودند که گویا جان به جان‌آفرین تسلیم کرده‌اند.^۱

است متأثر بودن اهل لغت در این معنا از فرهنگ اسلامی ثابت نباشد.

۱. «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ يُكْرَهُمَا (حَتَّى كَادَ أَنْ يَمُوتَ)؛ الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۹. گفته شده است حضرت این آیه را تا شصت مرتبه تکرار می فرمودند.

۴. **دقت در حسابرسی الهی؛** عفو و رحمت الهی بی منتهاست چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء / ۴۸). امام علی (ع) این آیه را محبوب ترین آیه نزد خود بیان می فرمایند.^۱ برخی بر اساس این آیه شریفه و مضامین مشابه در آیات دیگر و روایات معصومین (ع)، ناخودآگاه، گمان بر سستی محاسبه در روز قیامت برده اند اما آیه مورد بحث (=مالک یوم الدین) اشاره به دقت در محاسبه روز قیامت دارد. خداوند، خود محاسب در روز قیامت است و او اگر کاری را به دست گیرد، آن را محکم و در بالاترین درجه دقت به انجام می رساند. حتی اگر «دین» را به معنای آیین و شریعت و قانون در نظر بگیریم، همین مطلب به دست می آید و حاکمیت قانون و آیین نیز با دقت در محاسبه محقق می شود.

در روایت نقل شده که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) فرمود: آیا هرگز کاری برای من کرده ای؟ موسی (ع) عرض کرد: برایت نماز گزاردم، روزه گرفتم، صدقه دادم و ذکر به جای آوردم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: نماز که برهان و حجت توست و روزه سپرت و صدقه سایه (و همراه تو) و یاد من نور (و روشنی) برای تو. چه عملی برای من انجام داده ای؟ موسی علیه السلام عرض کرد: مرا به آن کار که برای توست راهنمایی فرما. خداوند فرمود: ای موسی! آیا هرگز برای من، با کسی دوستی کرده ای و به خاطر من با کسی دشمنی ورزیده ای؟ پس موسی (ع) دانست که برترین اعمال، دوستی و دشمنی به خاطر خداست.^۲

این حدیث شریف دقت در محاسبه خداوند را بیان می فرماید. هرچند ممکن است پس از حساب، با اقتضای حکمت، بارش رحمت آغاز شود.

۳. چهار نوع قانون، قانون گذاری و قانون گذار؛ قانون گذاران و قانون گذاری در دنیا به چهار صورت

ذیل وجود دارد.

۱. «تَوَبَّرَ عَنْ أَبِيهِ أَنْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ». صدوق، التوحيد، ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ عَمَلْتَ لِي عَمَلًا قَطُّ؟ قَالَ: صَلَّيْتُ لَكَ وَصُمْتُ وَتَصَدَّقْتُ وَذَكَرْتُ لَكَ. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَكَ بُرْهَانٌ، وَالصَّوْمُ جَنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ ظِلٌّ، وَالدُّكْرُ نُورٌ، فَأَيُّ عَمَلٍ عَمَلْتَ لِي؟ قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَلَّنِي عَلَى الْعَمَلِ الَّذِي هُوَ لَكَ. قَالَ: يَا مُوسَى، هَلْ وَالَيْتَ لِي وَكَيْلًا؟ وَهَلْ عَادَيْتَ لِي عَدُوًّا قَطُّ؟ فَعَلِمَ مُوسَى أَنْ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالبُغْضُ فِي اللَّهِ». راوندی، الدعوات (سلوة الحزين)، ص ۲۸؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۱. قانون گذاری سخت و خشونت در اجرای آن؛ مانند حکومت های دیکتاتوری.
۲. قانون ملایم و اجرای همراه با ملایمت و اغماز؛ آیین واره هایی وجود دارد که در واقع قانونی ندارند و در موارد اندک قانون نیز بسیار با تسامح برخورد می کنند.
۳. قانون سخت اما بدون محاسبه در مقام اجرا؛ مانند قانون اینکه در کشور ما برخی قوانین بسیار سخت است اما عملاً اجرا نمی شود. از آن جمله گاهی یک دهم قیمت خانه در صورت معامله به عنوان مالیت باید اخذ شود اما چنین مالیاتی در عمل پرداخت نمی شود و اجرای آن موجب عسر و حرج برای مردم می گردد.
۴. قانون مطلوب و سهل اما حسابمند و سخت گیرانه در مقام اجرا؛ قوانین اسلام از این نوع است. در قوانین اسلام حتی «لا حرج» نیز بدین معنا نیست که برخی قوانین اسلام حرجی است و با این قاعده، نفی شده و به کلی کنار می رود. قانون نفی حرج که نوعی چارچوب و الگوواره (=پارادایم) است و نه قانونی خاص. به بیانی دیگر این قاعده لباسی سرتاسری بر قوانین دین است. قانون نفی عسر نیز همین گونه است و لسان قرآن کریم و روایات در رابطه با چنین قوانینی، لسان بیان رویکرد است. با وجود حرجی و دشوار نبودن قوانین و احکام اسلام، اجرای آن الزامی و بدون تعطیل است. در آن ترخیص وجود دارد اما تعطیل بردار نیست. مانند نماز که لا تترك بحال و از نماز در حالت عادی تا نماز غرقی در احکام اسلامی بیان شده است.
- با این بیان، در دین اسلام گستردگی عفو و رحمت با دقت در محاسبه همراه است. از نمونه های توجه به دقت در محاسبه، آیه ۲۸۲ سوره بقره است که طولانی ترین آیه قرآن کریم است. در این آیه شریفه ده مرتبه به کتابت و ثبت بدهی و قرض اشاره فرموده است. در واقع خداوند متعال می فرماید همانگونه که او در ثبت و ضبط، دقیق است، مردم نیز باید اهل دقت و ثبت و ضبط باشند و اهل غرر نباشند. غررانگاری و خطرانگاری در شریعت وسیع تر از غرر در غیر آن است. بدین معنا که مواردی را عرف غرر بر نمی شمارد اما اسلام و شریعت حقه آن را غرر به شمار آورده است.